



❁ « الدرس الثالث » ❁

« عجائب المخلوقات »

❁ و مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ❁

« تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافر می است »

را هر و کر صد، سر دارد توکل بایدش»

❁ در سنانه : ادوات شرط

ادوات شرط } حرف شرط: إن: اگر، چنانچه

اسم شرط: مَنْ : هر کس، کسی که / ما : هر چه، هر آنچه، آنچه / إذا : هر گاه، اگر

نکات

۱- ادوات شرط بر سر جمله می آیند و دو فعل ماضی یا مضارع یا یک فعل و یک جمله اسمیه بعدشان می آید. اولین فعل را فعل شرط و دومین فعل یا جمله اسمیه را جواب شرط گویند.

مثال: مَنْ يُحَاوِلْ كَثِيرًا، يَصِلْ إِلَىٰ هَدَفِهِ. (هر کس بسیار تلاش کند به هدفش می رسد)

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

۲- ادوات شرط علامت آخر فعل مضارع را تغییر می دهند، به این شکل که در صیغه هایی که در آخر فعل ضمه (ُ) است به ساکن (َ) تبدیل می شود. و در صیغه هایی که فعل مضارع به «ن» ختم می شود، «ن» از پایان فعل حذف می شود (به جز دو صیغه جمع مونث که «ن» حذف نمی شود) در این حالت علامت فعل مضارع را مجزوم گویند.

مثال: مَنْ يَتَأَمَّلْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسَلِّمْ مِنَ الْخَطَا! يتأمل: فعل شرط و مجزوم يسلم: جواب شرط و مجزوم

ترجمه: هر کس قبل از سخن گفتن بیندیشد، از خطا و اشتباه در امان می ماند.

۳- فعل شرط و جواب شرط هر دو ممکن است ماضی باشند، که در این صورت اولاً می توانند مضارع ترجمه شوند، و ثانياً آخرشان هیچ تغییری نمی کند. مثال: مَنْ حَفَرَ بَثْرًا لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهِ حَفْرًا: فعل شرط (بدون تغییر آخر) وَقَعَ: جواب شرط (بدون تغییر آخر)

ترجمه: هر کس برای برادر خود چاهی حفر کند، خود در آن میافتد. (حفر کند: مضارع التزامی - می افتد: مضارع اخباری)

۴- فعل شرط معادل مضارع التزامی و جواب شرط معادل مضارع اخباری ترجمه می شود (به شرطی که آینده نباشد)

فعل شرط ← مضارع التزامی جواب شرط ← مضارع اخباری

۵- جواب شرط می تواند جمله اسمیه باشد، در این صورت حتماً باید بر سرش یک «فَ» بیاید. این «فَ» نیز نشانه شرطی بودن جمله است.

مثال: مَنْ قَالَ إِنِّي عَالِمٌ فَهُوَ جَاهِلٌ (هر کس بگوید من دانا هستم، پس او نادان است)

قال: فعل شرط هو جاهل: جمله اسمیه و جواب شرط هو: مبتداً جاهل: خبر و در ابتدایش «فَ» آمده است.

۶- تفاوت «مَنْ و ما» شرط و استفهام...

مَنْ و ما شرط: (۱) همواره در اول جمله می آیند. (۲) بلافاصله بعدشان فعل می آید. (۳) اگر آن فعل مضارع باشد مجزوم می شود (۴) بعد از فعل شرط یک فعل دیگر یا جمله دیگری (بدون واسطه) می آید که جواب شرط می باشد.

تست: عَيْنُ الْجُمْلَةِ الشَّرْطِيَّةِ :

(۱) أَوْلَيْكَ مَنْ يُنَاجِيَنَّ اللَّهَ فِي أَوْقَاتِ السَّحَرِ! ﴿ ۲﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ! ﴿ ۳﴾ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ! ﴿ ۴﴾ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ﴿ ۵﴾

(۳) ﴿ ۳﴾ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ! ﴿ ۴﴾ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ﴿ ۵﴾

پاسخ (گزینه ۴)

گزینه ۱ و ۳: «مَنْ» وسط جمله آمده و معنای کسی که می دهد و دو جمله را بهم ارتباط داده، پس ربط دهنده است (موصول یا ربط) گزینه ۲: «ما» در وسط جمله آمده و معنای آنچه می دهد (ربط و موصول) گزینه ۴: «ما» در ابتدای جمله آمده و بلافاصله بعدش فعل آمده و «ن» آن فعل به نشانه جزم حذف شده (تفعلون: ن حذف شده) و تجدون جواب شرط بوده و «ن» آن فعل نیز به نشانه جزم حذف شده است (دقت کنید که در گزینه ۴ دو جمله و دو فعل بدون هیچ واسطه ای بعد از «ما» شرط آمده اند و مجزوم شده اند) پس «ما» در گزینه ۴ شرط است.

۷- جواب شرط با موارد زیر شروع نمی شود:

الف) حروف عطف (و - ثُمَّ - أَوْ - أَمْ - لَكِنْ - بَلْ - حَتَّى) به جز « فَ »

مثال: مَنْ دَعَاكَ وَ تَكَلَّمْتَ مَعَهُ وَ أَعْطَاكَ الْكِتَابَ مَسْئُولٌ عَنِ الْمَكْتَبَةِ! (جمله دوم و سوم با « و » شروع شده پس معطوف می باشند و نمی توانند جواب شرط باشند پس « مَنْ » شرطیه نیست. کسی که تو را صدا کرد و با او صحبت کردی و به تو کتاب داد، مسئول کتابخانه است.)

ب) با حروفی که مضارع التزامی می سازند (أَنْ - كَيْ - لَكَيْ - حَتَّى - لَ).

مثال: مَا أَحِبُّ أَنْ يَرَانِي الْمَعْلَمَ. (جمله دوم با « أَنْ » آغاز شده، پس نمی تواند جواب شرط باشد)

۸- إِذَا (اگر - زمانیکه - ...) و لَوْ (اگر) نیز از ادوات شرط هستند با این تفاوت که آخر فعل مضارع را تغییر نمی دهند یعنی دو

فعل مضارع را مجزوم نمی کنند. مثال: إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ! (اگر عقل تمام شود سخن ناقص می ماند)

تَمَّ ← فعل شرط - ماضی نَقَصَ ← جواب شرط - ماضی

۹- إعراب یا نقش ادوات شرط:

مَنْ: غالباً مبتدأست و جمله شرط و جواب شرطش خیر است (البته فقط در یک حالت می تواند مفعول باشد که در ادامه گفته می شود).

ما: غالباً مفعول مقدم برای فعل شرط است و گاهی مانند « مَنْ » مبتدا می باشد.

*** توضیح: اگر بعد از « مَنْ و ما »، فعل شرط، متعدی باشد و مفعول نداشته باشد، « مَنْ و ما » برای فعل شرط مفعول مقدم هستند (مقدم یعنی جلوتر و زودتر آمده است) در غیر این صورت « مَنْ و ما » مبتدا می باشند.

مثال: ﴿ مَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ ﴾ (هر آنچه را از چیزی در راه خدا انفاق کنید، تمام و کمال به شما بازگردانده می شود و به شما ستم نمی شود.) ما ← شرط و مفعول / تَنْفِقُوا ← فعل شرط، متعدی، بعدش مفعول نیامده است.

۱۰- گاهی فعلی یا افعالی به وسیله ی حرف عطف به فعل شرط یا جواب شرط معطوف می شوند (برمی گردند) که در این صورت آن ها را معطوف به فعل شرط یا جواب شرط می گیریم.

مثال: ﴿ إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴾ (اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گام های شما را استوار می دارد!)

حرف شرط فعل شرط جواب شرط معطوف به جواب شرط

﴿ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴾

فعل شرط معطوف به فعل شرط جواب شرط

(هرکس عمل بدی انجام دهد یا به خودش ستم کند سپس از خداود طلب آمرزش کند خداوند را آمرزنده و مهربان می یابد)

تست: عَيْنُ الْخَطَا لِلْفَرَغِينَ: إِنَّ.....عَلَى الْحَسَنَاتِ.....إِلَى اللَّهِ!

(۱) تَحْرُصُنَّ - تَتَّقِرْنَ (۲) تَحْرُصَا - تَتَّقِرَا (۳) تَحْرُصُوا - تَتَّقِرُوا (۴) يَحْرُصَانِ - يَتَّقِرَانِ

پاسخ تشریحی (گزینه ۴)

چون در ابتدای جمله حرف شرط «إن» آمده است، پس در دو جای خالی اگر فعل مضارع بیاید باید علامت آخرشان تغییر کند بنابراین گزینه ۴ نادرست است زیرا «ن» در پایان دو فعل حذف نشده است. در گزینه ۱: هر دو فعل جمع مونث هستند که نباید «ن» حذف شود. در گزینه ۲ فعل مثنی و در گزینه ۳ فعل جمع مذکر است پس حرف «ن» از پایان فعل ها حذف شده است. ترجمه: اگر به انجام نیکی ها حرص بورزید (مشتاق باشید) به خدا نزدیک می شوید!

توجه:

دقت کنید که برخی از کلمات در زبان عربی تنوین نمی پذیرند و نکره بودن آن ها از معرفه نبودنشان مشخص می گردد، پس هر اسمی که نشانه معرفه ندارد، نکره است. مثال: رَجُلَانِ - مُؤْمِنُونَ - أَحْسَنُ...

*بَدَانِیم: ترجمه «ما مِن.....إِلَّا»؛ هیچ...نیست به جز، مگر

ترکیب «ما مِن» با یک اسم مجرور بعد از «مِن» معنای «هیچ...نیست» می دهد، و غالباً بعد از جمله اول جمله دیگری با «إِلَّا» می آید. مثال: مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرِ ذَلِكَ الْغَرْسِ: هیچ مردی نیست که نهالی بکارد جز اینکه خداوند برایش پاداشی به اندازه ی آنچه از میوه ی آن نهال خارج می شود، نوشته است.